



دور همی با هم فکران پشت در های بسته!

آنچه «سی و پنجمین نشست هماهنگی ارکان اطلاع رسانی دولت» نامیده می شود، شنبه ۲۵ مردادماه با حضور معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور بر گزار شد، این نشست اگرچه به ظاهر فرصتی برای تبیین اقدامات دولت چهاردهم با استناد به شاخص های کلان در یک سال گذشته محسوب می شد، در عمل تصویری روشن از ضعفها و محدودیت های اطلاع رسانی این سازمان ارائه کرد، رویدادی که می توانست نقطه عطفی در مسیر شفافیت و تعامل با رسانه و افکار عمومی باشد اما بیش از آنکه محملی برای پاسخگویی و انتشار اطلاعات باشد، به دورهمی محدود میان مدیران و هم فکران تبدیل شد. سخنرانی معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، با تمرکز بر پروژه های عمرانی و طرح های پیشران، بار دیگر نشان داد نگاه غالب در این سازمان هنوز سنتی و بسته است؛ نگاهی که داده ها را برای ارائه به جمع محدودی از مسئولان آماده می کند و نه برای تحلیل مستقل عمومی.

یکی از مشکلات اساسی، فقدان تعامل واقعی با رسانه ها بود. حضور چند مدیر رسانه ای و دست اندر کار اطلاع رسانی اگرچه ظاهراً نشانه تلاش برای شفافیت است اما واقعیت این است که سازمان برنامه و بودجه فاقد راهبرد مدون و حرفه ای برای ارتباط مستمر و دوسویه با افکار عمومی است. داده ها و شاخص های کلان، حتی اگر موجود باشند، پیش از نشست در دسترس رسانه ها و تحلیلگران قرار نگرفته بود و این محدودیت باعث شد نشست بیشتر شبیه جلسه داخلی مدیران شود تا فضایی برای اطلاع رسانی عمومی و تحلیل مستقل.

در حوزه تخصصی نیز ضعف ها مشهود است. پروژه های عمرانی و طرح های کلان که در یک سال گذشته در دستور کار بوده اند، از نظر شفافیت در دسترس عموم نیستند. گزارش ها و داده های مرتبط با روند پیشرفت، تخصیص بودجه و زمان بندی پروژه ها نه در سایت رسمی سازمان و نه در قالب گزارش های قابل استناد رسانه ای منتشر نمی شوند و این موجب می شود تحلیلگران اقتصادی و کارشناسان نتوانند تصویر واقعی از اثرگذاری پروژه ها بر اقتصاد کلان و زندگی مردم ارائه کنند. این خلأها نشان می دهد، سازمان برنامه و بودجه در اطلاع رسانی، هنوز محدود به گزارش های داخلی و یکسویه است و جریان آزاد و شفاف اطلاعات برقرار نشده است.

مشکل دیگر نشست، تمرکز صرف بر دستاوردهای کمی و نادیده گرفتن تحلیل کیفیتی اقدامات بود. ارائه شاخص ها و آمار بدون توضیح درباره چالش ها، موانع اجرایی، نقاط قوت و ضعف سیاست ها، گزارش سازمان را نیمه کاره و یک طرفه جلوه می دهد. در شرایطی که افکار عمومی و رسانه ها به تحلیل دقیق و داده محور نیاز دارند، ارائه صرفا دستاوردهای عددی نه تنها شفافیت ایجاد نمی کند، بلکه بی اعتمادی را افزایش می دهد.

از منظر فنی، سازمانی که مسئول طراحی و اجرای سیاست های کلان اقتصادی و بودجه ای کشور است، باید زیرساخت های مستحکمی برای انتشار داده های رسمی داشته باشد، از پایگاه داده های قابل جست وجو گرفته تا داشبوردهای شاخص های کلان و گزارش های دوره ای با استانداردهای روز. نبود چنین زیرساختی، به ویژه در مواجهه با رسانه ها و پژوهشگران مستقل، موجب می شود اطلاع رسانی جزیره ای و محدود باشد و اطلاعات تنها در اختیار افراد خاص باقی بماند. در حالی که نقد و ارزیابی عمومی جای خود را به شایعه و برداشت های غیررسمی می دهد.

ضعف دیگر نشست، نبود شفافیت درباره اقدامات پیش رو و پروژه های در دست اجرا بود. گزارش ارائه شده عمدتاً به مرور یک سال گذشته محدود شد و تنها به شکل گذرا به پروژه های آینده اشاره شد. برآی سازمانی که باید پاسخگویی پیشرفت برنامه ها و اثرگذاری سیاست ها باشد، غفلت از اطلاع رسانی آینده نگر و پیش بینی شده یک نقص جدی است؛ رسانه و افکار عمومی حق دارند بدانند چه پروژه هایی در دست اجرا هستند و چگونه بودجه و منابع تخصیص یافته با اهداف و اثرگذاری آنها نتایج دارد.

در نگاه رسانه ای و تحلیلی، نحوه برگزاری نشست و محتوای ارائه شده نشان دهنده فقدان فرهنگ تعامل دوسویه است. جلسات اطلاع رسانی نباید محدود به ارائه گزارش به مدیران و سخنرانان اصلی باشد، بلکه باید شامل پرسش و پاسخ، تحلیل مستقل داده ها و تعامل واقعی با خبرنگاران و کارشناسان باشد. محدودیت های ایجاد شده در این نشست، چه از نظر زمان و چه دسترسی به داده ها، این هدف را ناکام گذاشت و نشان داد سازمان برنامه و بودجه هنوز به یک نهاد پاسخگو و شفاف تبدیل نشده است.

اگرچه چن سازمان برنامه و بودجه مسئولیت حیاتی در طراحی و اجرای سیاست های اقتصادی و عمرانی کشور دارد، ضعفها و ساختاری در اطلاع رسانی، عدم انتشار داده ها، مستند و قابل استناد و تمرکز بر ارائه گزارش های عددی بدون تحلیل کیفی، نشان می دهد این نهاد هنوز فاصله زیادی تا شفافیت واقعی دارد. نشست هایی مانند سی و پنجمین نشست هماهنگی ارکان اطلاع رسانی نباید محدود به دورهمی پشت و های بسته میان مدیران و هم فکران محدود شبیه هستند و افکار عمومی را در انتظار اطلاعات می گذارند. تنها با ایجاد زیرساخت های انتشار داده ها، گزارش های تحلیلی محور و تعامل واقعی با رسانه ها و کارشناسان مستقل است که سازمان برنامه و بودجه می تواند به شفافیت و اعتماد عمومی دست یابد.

جهان اقتصاد، این روزها صحنه تقابل دوروایت است؛ روایتی از کاهش شتاب تورم و روایتی دیگر از تداوم گرانی در سبید تولیدکننده و در نهایت مصرف کننده. تازه ترین گزارش مرکز آمار ایران درباره شاخص قیمت تولیدکننده بخش «زراعت، باغداری و دامداری سنتی» در خرداد ۱۴۰۴ پرده از این تناقض ظاهری برمی دارد. این گزارش نشان می دهد اگرچه تورم سالانه این بخش نسبت به ماه قبل اندکی فروکش کرده و از ۲۰/۱ به ۲۹/۴ درصد رسیده است اما تورم نقطه به نقطه همچنان پر قدرت پیش می رود و با ثبت رقم ۲۵/۲ درصد، نسبت به ماه پیش خود حتی افزایش نیز نشان داده است. به بیان ساده، هزینه تولید محصولات کشاورزی و دامی در خرداد امسال همچنان بالاتر از خرداد پار سال است، هرچند سرعت رشد سالانه آن اندکی آرام و حیوانات و کورددار گرانی سالانه و سایر محصولات زراعی و کورددار گرانی نقطه ای بوده اند، در حالی که غلات و پرورش گوسفند و بره سنتی کمترین افزایش قیمت را تجربه کرده اند. این تفاوت ها، همزمان چهره پیچیده تورم در کشاورزی را به نمایش می گذارند و چشم اندازی از مسیر آینده قیمت ها ترسیم می کنند.

■ ■ ■

تورم در کشورمان سال هاست میهمان ناخوانده اقتصاد است؛ میهمانی که سفره همه را کوچک تر و سهم نان و گوشت و سبزی را کهرمق تر از گذشته کرده است. اگر بخواهیم گرانی های روزمره را بهتر بفهمیم، یکی از شاخص های مهم، «شاخص قیمت تولیدکننده» است؛ معیاری که نشان می دهد، تولیدکننده ها محصولات خود را نسبت به قبل با چه قیمتی می فروشند و چه هزینه هایی را متحمل می شوند. تازه ترین گزارش مرکز آمار ایران درباره بخش «زراعت، باغداری و دامداری سنتی» برای خردادماه ۱۴۰۴، تصویری روشن اما چندلایه از وضعیت قیمت ها در این بخش به دست می دهد.

عدد شاخص کل در خردادماه ۱۸۰۳/۷ رسیده است؛ رقمی که معنای ساده آن یعنی قیمت ها نسبت به سال پایه ۱۳۹۵ بیش از ۱۸ برابر شده اند. اما آنچه اهمیت دارد تغییرات این شاخص است، نه خود عدد. بر اساس گزارش، تورم نقطه به نقطه –یعنی مقایسه خرداد ۱۴۰۴ با خرداد ۱۴۰۳– معادل ۲۵/۲ درصد بوده است. به عبارت ساده تر، محصولات کشاورزی و دامی در خرداد امسال به طور میانگین یک چهارم گران تر از خرداد پارسال فروخته شده اند. این در حالی است که همین شاخص در اردیبهشت ۲۳/۵ درصد بود و بنابراین خرداد شاهد افزایش ۱/۷ واحد درصدی بوده است.

با وجود کاهش شاخص قیمت تولیدکننده اما گرانی همچنان ادامه دارد

باغ تورم، سبز و شاخه های ارزانی خشک!

شاخص قیمت تولیدکننده در بخش زراعت، باغداری و دامداری سنتی با وجود افزایش ۲۵درصدی نسبت به سال گذشته، در تورم سالانه اندکی کاهش یافته

و الگوی متفاوتی در گروه های محصولی ثبت کرده است



علی قنبرلو/همچر

از سوی دیگر، وقتی تورم سالانه –یعنی تغییرات ۱۲ ماهه منتهی به خرداد نسبت به دوره مشابه سال قبل– از نگاه کنیم، عدد ۲۹/۴ درصد ثبت شده است. این رقم در اردیبهشت ۳۰/۱ درصد بود، بنابراین اندکی کاهش یافته است. کاهش تورم سالانه اگرچه نشانه ای مثبت برای سیاستگذاران است، اما افزایش تورم نقطه به نقطه همزمان نشان می دهد، هنوز فشار گرانی بر دوش تولیدکننده ها و به تبع آن مصرف کننده ها سنگینی می کند.

■ تفاوت میان گروه ها

گزارش مرکز آمار جزئیات جالبی را درباره گروه های مختلف محصولی ارائه می کند. سبزیجات و حبوبات با رشد ۵۳/۷ درصدی در تورم سالانه، رکورددار افزایش قیمت در یک سال گذشته بوده اند. این یعنی اگر یک کشاورز سال گذشته لوبیا یا نخود را به قیمت ۱۰۰ هزار تومان می فروخت، امسال همان محصول را به طور متوسط ۱۵۴ هزار تومان فروخته است. در مقابل، غلات تنها ۱۵/۷ درصد افزایش قیمت سالانه داشته اند که کمترین نرخ در میان گروه ها است. این تفاوت معنادار

تورم نقطه ای ۲۵درصدی در خردادماه به زبان ساده یعنی سفره مردم هنوز با گرانی دست به گریبان است؛ محصولاتی چون سبزیجات، حبوبات و دیگر کالاهای اساسی همچنان گران تر از سال گذشته به فروش می رسند

مرکز پژوهش ها سرمایه گذاری را بر دوش مردم می گذارد و می گریزد

گزارش آب مرکز پژوهش ها عطش نقد دارد!

مرکز پژوهش های مجلس در تازه ترین گزارش خود، ظرفیت بخش آب را تنها از منظر سرمایه گذاری بخش خصوصی تحلیل کرده است؛ نهاد پژوهشی پارلمان در این مسیر

یا غفلت کرده یا عامدانه نادیده گرفته که ایران از منابع عظیم طبیعی بر خوردار است و دولت نمی تواند از مسئولیت شانه خالی کند



■ ریشه های چندلایه و پیچیده بحران بحران آب در کشورمان صرفاً یک مسئله مالی نیست و نمی توان آن را تنها به کمبود بودجه نسبت داد. این بحران ریشه ای، چندلایه و پیچیده است و اگر بخواهیم واقع بین باشیم، باید تمام ابعاد آن را در نظر بگیریم. یکی از مهم ترین عوامل، مدیریت ناکارآمد منابع آبی است؛ سیاست های ناپایسته و پروژه های نیمه تمام، منابع مالی عظیمی را هدر می دهد و در عین حال مردم را با تأخیر در تأمین آب و مشکلات عملیاتی مواجه می کند. همچنین، کالایی شدن آب و واگذاری مدیریت آن به بخش خصوصی، بدون زیرساخت های نظارتی و شفاف، می تواند منجر به افزایش قیمت ها شود و عدالت اجتماعی را به خطر بیندازد. زیرا دهک های کم درآمد جامعه بیشترین آسیب را خواهند دید. مشکل بعدی، نبود شفافیت داده ها و اطلاعات دقیق درباره منابع و مصرف آب است؛ بدون دسترسی عمومی به داده های معتبر، نه تحلیل ها علمی خواهد بود و نه تصمیم گیری ها قابل اعتماد. این خلأ اطلاعاتی به نوعی به معافیت دولت از پاسخگویی منجر می اندازد.